

جامعه‌شناسی علم و انجمن‌های علمی در ایران

دکتر محمود شارع‌پور
دکتر محمد فاضلی



جامعه‌شناسی علم و انجمن‌های علمی در ایران

دکتر محمود شارع‌پور و محمد فاضلی

ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و

دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم

طرح جلد: سعید زاشکانی

شمارگان: ۲۵۰۰

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۶

لیتوگرافی: تارنگ

چاپ: جمالی

قیمت: ۱۶۲۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۷۷۴۶-۱۱-۳

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مومن (نژاد گلستان یکم)، شماره ۱۵، تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷
پست الکترونیکی: office@cscs.ir سایت: www.cscs.ir

سرشناسه: شارع‌پور، محمود

عنوان و پدیدآور: جامعه‌شناسی علم و انجمن‌های علمی در ایران/ محمود شارع‌پور، محمد فاضلی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی: وزارت علوم، تحقیقات و

فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۶

مشخصات ظاهری: ۱۱۹ ص: جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۳۸-۱۱-۳

موضوع: علوم - ایران - جنبه‌های اجتماعی.

موضوع: مؤسسه علمی و آموزشی - ایران.

شاسه افزوده: فاضلی، محمد، ۱۳۵۳.

شاسه افزوده: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

شاسه افزوده: ایران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.

ردیف‌بندی کنگره: ۲ش ۹الف Q1۷۵/۵۱۷

ردیف‌بندی دیویی: 4830955/303

شماره کتابخانه ملی: 1070518

فهرست

دیباجه	نه
پیشگفتار (دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی)	یازده
مقدمه	سیزده
واکاوی ادبیات علم‌پژوهی در ایران	۱
رویکردهای نظری در جامعه‌شناسی علم	۱۳
انجمن‌های علمی	۴۹
نتیجه‌گیری	۷۳
منابع	۸۵
نمایه	۸۹

دیباچه

ارتباط ارکانیک «علم» با ابعاد گوناگون ساخت و سازمان جامعه و روند رو به تزايد تاثيرات اجتماعي، فرهنگي، سياسي و اقتصادي رشد علم بر جنبه‌هاي مختلف زندگي، ضرورت بررسي روابط ميان علم و جامعه را قوت بخشیده است. در اين رهگذر جامعه‌شناسي علم به موازات اهتمام حوزه‌هاي مختلف معرفت به بررسي و پژوهش درباره علم، کوشش می‌کند با فهم و تبين سازمان اجتماعي علم و چگونگي انتظام آن در روند توسعه علم و فناوری در روند دستیابی جامعه به توسعه متوازن و پایدار ایفای نقش نماید.

اثر حاضر با عنوان «جامعه‌شناسي علم و انجمن‌هاي علمي» ضمن پرداختن به ادبيات علم‌پژوهي در ايران می‌کوشد رویکردهاي غالب در بررسي مقوله علم در کشور را مورد توجه قرار دهد. نگارنده در اين اثر با توجه به نقش فراگیر انجمن‌هاي علمي در پیشبرد علم، نقش و کارکرد اين انجمنها را به عنوان بخشی از نظام اجتماعي علم بررسي می‌نماید. اين مجموعه حاصل پژوهشي است که در دفتر برنامه‌ريزي اجتماعي و مطالعات فرهنگي وزارت علوم تحقيقات و فناوری به سامان رسیده و

این پژوهشکده با توجه به اهمیت موضوع و ضرورت‌های یادشده به چاپ و انتشار آن مبادرت ورزیده است. در این مجال از تلاشهای صورت گرفته توسط جناب آقای دکتر غلامرضا خواجه‌سروی مدیر کل محترم و دیگر همکاران گرامی آن دفتر که در به ثمر رسیدن این اثر نقش اساسی داشته‌اند صمیمانه تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

امید است کوشش‌ها و برنامه‌های علمی و پژوهشی این پژوهشکده در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی و اجتماعی و در سطوح و لایه‌های مختلف جامعه دانشگاهی، زمینه توسعه و شکوفایی را فراهم آورد و بتواند در فرآیند شکل‌گیری گفتمان بومی متناسب با هویت ملی، ارزشها، نگرشها، خواسته‌ها و بایسته‌ها، به طور مؤثر ایفای نقش کند.

پیشگفتار

(دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی)

ایران کشوری است که مردمان آن از دیرباز به دانش‌دوستی، علم‌پژوهی و ژرف‌اندیشی شهرت داشته‌اند. نگاهی گذرا به تاریخ فرهنگ و تمدن ایرانی حاکی از آن است که نبردهای خانمان‌سوز و تخریب‌های گسترده نتوانسته است مانعی در راه علم‌اندوزی ایرانیان ایجاد نماید.

ورود اسلام به ایران و پرچمداری فرهنگ توسط تعالیم عالیه این دین مبین بر حرکت دانش‌مدارانه مردم این سرز و بوم افزود به طوری که ایرانیان در دانش‌های وقت به سرآمد بودن نزدیک شدند. گرچه عقب‌ماندگی‌های فراگیر در برخی نواحی که جهان اسلام به آن مبتلا شد ایران را هم فراگرفت اما کشور ما هم‌چنان نه تنها در داشته‌های بومی خود استوار ماند بلکه به تلاش‌های خود جهت بهره‌برداری از برخی دستاوردهای تمدن غربی ادامه داد.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در واقع تفوق فرهنگ و دانش بر سیاست غالب بر دنیا بود. این تحول عظیم اجتماعی که با ماهیتی فرهنگی رخ داد در تمامی زیرساخت‌های اجتماعی جامعه ایران تغییراتی ایجاد نمود. از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی توجه روزافزون ملی و همه‌جانبه به علم‌آموزی آن‌هم در سطوح عالی بود. توسعه آموزش عالی در سال‌های عمر جمهوری اسلامی در تاریخ ایران پدیده‌ای منحصر به فرد است و هیچ‌گاه قبل از آن چنین نبوده است. در سال‌های اخیر به این مهم، توسعه راهبردهای کیفی تولید علم و جنبش نرم‌افزاری هم افزوده شده است؛ به طوری که شعار تولید علم و جنبش نرم‌افزاری فراگیر شده و امید آن است که ایران ۱۴۰۰ را به جایگاه رفیع علمی شایسته‌شان خود برساند.

در این میان باید توجه داشت که علم را دانشمندان تولید می‌کنند و جنبش نرم‌افزاری را دانش‌پژوهان برپا خواهند کرد. انجمن‌های علمی استادان و انجمن‌های علمی دانشجویی که در مجامع دانشگاهی کشور ما حضوری نه چندان طولانی دارند پایگاهی را تشکیل می‌دهند که از آن به طور قطع تولید علم صورت خواهد گرفت، با این توصیف که استادان گردآمده در انجمن‌های علمی رشته‌ای مراحل مختلف آموزش کلاسیک را گذرانده و به مراحل تولید نزدیک شده‌اند؛ از این رو توان سرمدمداری حرکت علمی کشور را دارند. دانشجویان نیز وقتی به انجمن‌های علمی دانشجویی می‌پیوندند خود را آماده می‌کنند کار جمعی علمی را تمرین کنند و برای آینده چنان پرورش یابند که بتوانند مشکلات و مسائل علمی ایران را طرح و در پرتو خرد جمعی علمی حل نمایند.

اکنون که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بر آن شده که در محیط دانشگاه گفتمان علم‌محوری را مسلط نماید و از این راه به سوی تمدن‌سازی مبتنی بر دانایی محوری گام بردارد، انجمن‌های علمی استادی و انجمن‌های علمی دانشجویی که محل اجتماع سرآمدان علمی ایران‌اند اهمیتی مضاعف می‌یابند. انتشار اثر حاضر در راستای اهداف فوق می‌باشد تا زمینه‌ای نظری و علمی را برای گسترش و تقویت این انجمن‌ها فراهم آورد و راهگشای مطالعات علمی بیشتر در این زمینه باشد. امید است دانش‌پژوهان ایران اسلامی این حرکت مفید و نوپا را با قوت هرچه بیشتر ادامه دهند.

در پایان شایسته است از جناب آقای دکتر غلامرضا خواجه‌سروی قائم مقام محترم معاونت فرهنگی و اجتماعی و مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی که بی‌شک این اثر بدون حمایت و نظارت‌های جامع و مستمر ایشان جهت بهره‌مندی جامعه علمی و دانشگاهی کشور، آماده چاپ و انتشار نمی‌شد، همچنین سایر همکاران پرتلاش دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی که این کتاب را تا مرحله چاپ یاری رسانده‌اند، تشکر و قدردانی شود.

دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی
و مطالعات فرهنگی

مقدمه

می‌توان علم را نظامی اجتماعی تصور کرد که دانشگاهها، مراکز تحقیق و توسعه، دانشمندان، دانشجویان، انجمن‌های علمی، سازمان‌ها و نهادهای دولتی مرتبط با علم، نهادهای بین‌المللی مشوق پیشبرد دانش و علم در جهان، سازوکارهای ارتباطی این مجموعه اعم از کتاب‌ها، نشریات و ابزارهای اطلاع‌رسانی و قوانین حاکم بر رفتارهای فردی و نهادی این عناصر، بخش‌های مختلف آن را تشکیل می‌دهند و به یقین می‌توان این فهرست را طولانی‌تر نیز کرد. هر تلاشی برای درک سازوکارهای پیشرفت علم و ارائه شناخت‌هایی برای تدارک راهکارهای این پیشرفت، نیازمند درک ارتباط میان این عناصر و بالخصوص نشان دادن سهم هر کدام در جهت دادن به کنش‌هایی است که سرآخر سبب می‌شوند تا هر عضو اجتماع علمی نقشی در پیشرفت دانش ایفا کند.

علوم مختلف از زوایای گوناگون به عناصر درون سازمان اجتماعی علم پرداخته‌اند. ظهور رشته‌هایی نظیر اقتصاد علم، علم‌سنجی^۱، مدیریت تحقیق و توسعه، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی علم و علم‌پژوهی^۲ نشانه‌هایی از تلاش برای شناخت عناصر نظام اجتماعی علم و سازوکارهای تغییر و تحول درون آن است. سویه کاربردی این تلاش‌ها نیز تدارک اقدامات و برنامه‌هایی برای پیشبرد

1. scientometrics

2. science studies

علم است. در دنیای جدید که قدرت کشورها نیز تا اندازه زیادی تابع میزان پیشرفت علم در آنهاست، این گونه تحقیقات جدی‌تر شده‌اند و سویه کاربردی آنها اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

کتابی که اکنون پیش روی خواننده قرار دارد نیز کوشش مختصری برای درک ایده‌های برخی جامعه‌شناسان درباره سازمان اجتماعی علم و چگونگی نظم یافتن آن است. به علاوه ایده‌هایی درباره سازوکار انگیزش افراد به کار کردن درون سازمان اجتماعی علم در خود دارد. در اینجا ذکر این نکته لازم است که جامعه‌شناسی علم در ایران - در قیاس با برخی حوزه‌های جامعه‌شناسی - بسیار توسعه نیافته باقی مانده است. بنابراین شرح ایده‌های جامعه‌شناسان درباره علم می‌تواند در آشنا کردن دانشجویان و علاقه‌مندان جامعه‌شناسی با آنها و بسط جامعه‌شناسی علم نیز کارآمد باشد. اما کتاب اهداف مهم دیگری را نیز دنبال می‌کند.

فصل اول کتاب بررسی مختصر ادبیات علم‌پژوهی در ایران است. بررسی صورت گرفته جامع نیست ولی این فایده را دارد که تا حدودی نشان می‌دهد تاکنون چه رویکردهایی در بررسی مقوله علم در ایران به کار گرفته شده است. این کتاب بخشی از پژوهشی درباره ساختار و کارکرد انجمن‌های علمی دانشجویی است (شارع‌پور و فاضلی، ۱۳۸۴). در آن تحقیق، وظیفه بررسی مختصری درباره علم‌پژوهی در ایران، نشان دادن جایگاه آن تحقیق در میان بقیه پژوهش‌های انجام شده در ایران بود. اما اکنون می‌تواند ضمن ارائه تصویری از مطالعات انجام شده درباره علم در ایران، سرنخ‌هایی برای ادامه مطالعات این حوزه در اختیار دانشجویان و دانش‌پژوهان قرار دهد. به عبارتی نشان می‌دهد که چگونه از دیدگاه‌های نظری مختلف به مقوله علم در ایران پرداخته شده است و نظرگاه‌های دیگری که می‌توانند برای مطالعه بیشتر به کار گرفته شوند چیست. بنا به اقتضانات زمانی و جایگاه این فصل در زمان نگارش آن، نقد دقیقی درباره دیدگاه‌ها صورت نگرفته است. بازنگری در آن نیز مستلزم بازنویسی کامل آن بود

که توفیق آن حاصل نشد. بنابراین بیش از آنکه گونه‌شناسی کاملی از تحقیقات علم‌پژوهی در ایران باشد، می‌تواند منبعی برای ایده‌های پژوهشی تلقی گردد.

چنان‌که در بالا اشاره شد، انجمن‌های علمی بخشی از نظام اجتماعی علم هستند و در پیشبرد علم نقش مهمی ایفا می‌کنند. در تحقیقی درباره انجمن‌های علمی دانشجویی، ضروری بود تا چارچوبی نظری برای تبیین نقش این انجمن‌ها در یک نظام علمی تدارک دیده شود. وظیفه چنین چارچوبی توضیح دادن سازوکارهای نظم یافتن سازمان اجتماعی علم و نقش و کارکردهایی است که انجمن‌های علمی در چنین سازمانی می‌توانند دارا باشند. انجمن‌های علمی دانشجویی با قالبی که در ایران برای آن تعریف شده، تجربه‌ای منحصر به فرد در جهان به شمار می‌رود. لذا دیدگاههای نظری روشنی برای توضیح دادن نقش و کارکرد آنها وجود ندارد. اما برای درک ماهیت این انجمن‌ها باید از بررسی ماهیت اجتماعی علم آغاز کرد. بنابراین، وظیفه دیگر این کتاب، تشریح نقش انجمن‌های علمی در نظام اجتماعی علم و کارکردهای متصور برای آنهاست.

پرداختن به انجمن‌های علمی در جامعه امروز ایران اهمیت زیادی دارد. نخست آنکه انجمن‌های علمی در سال‌های گذشته همواره رو به رشد بوده‌اند. بنا بر گزارشی که از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۷۹ منتشر شده تعداد انجمن‌های علمی ثبت‌شده در این وزارتخانه در همان سال در چهار گروه علوم پایه، علوم انسانی، کشاورزی و فنی و مهندسی ۸۶ انجمن بوده است. اما در فهرست انجمن‌های علمی عضو شورای انجمن‌های علمی ایران که در پایگاه اینترنتی این شورا آورده شده نام ۱۵۵ انجمن علمی رسمی آمده است. به عبارتی در فاصله سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ تعداد انجمن‌های علمی ۸۰ درصد رشد داشته است. در ضمن تعداد کل اعضای پیوسته، وابسته، حقوقی، دانشجویی و افتخاری این انجمن‌ها در سال ۱۳۷۹ قریب ۶۰۷۱۵ نفر بوده است. با احتساب رشد ۸۰ درصدی برای تعداد اعضای این انجمن‌ها احتمالاً این

شانزده / جامعه‌شناسی علم و انجمن‌های علمی در ایران

انجمن‌ها در سال ۱۳۸۵ نزدیک به ۱۱۰ هزار عضو داشته باشند. در جامعه ایران که تعداد محققان در قیاس با مقیاس‌های جهانی اندک است، این تعداد بسیار قابل توجه است و از پتانسیل‌های این انجمن‌ها و حجم آنها در مقایسه با کل اجتماع علمی خبر می‌دهد. در ضمن، چنان‌که در این کتاب نشان خواهیم داد، این انجمن‌ها کارکردهایی دارند که از هیچ نهاد دیگری بر نمی‌آید و از همین رو در نظام علمی ایران می‌تواند جایگاه مهمی داشته باشند. اما از سوی دیگر این انجمن‌ها از ارانه نقش‌هایی مهم نیز وامانده‌اند. بررسی مختصر عملکرد این انجمن‌ها می‌تواند شاخص قابل تأملی باشد. مجموع ۸۶ انجمن علمی در سال ۱۳۷۹ فقط ۶۲ کتاب و مقاله منتشر کرده‌اند. به عبارتی هر انجمن کمتر از ۱ مقاله یا کتاب در تولید علمی سهم داشته است. تعداد نشریات علمی این انجمن‌ها نیز ۵۰ مورد بوده که باز هم رقمی کمتر از ۱ نشریه برای هر انجمن علمی است.

در سال‌های گذشته مقوله‌ای تحت عنوان انجمن‌های علمی دانشجویی نیز به مجموعه نظام دانشگاهی و علمی کشور افزوده شده است. انجمن‌های علمی دانشجویی ساختار و کارکردهای متفاوتی در مقایسه با انجمن‌های علمی رشته‌ای دارند ولی به همان اندازه ارزش بررسی و تأمل دارند. تا تاریخ ۱۳۸۰/۱/۳۱ تعداد ۷۰۰ انجمن علمی دانشجویی در دانشگاه‌های کشور شناسایی شده بود. طبق گفته معاون دانشجویی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری (خبرنامه تحقیقات و فناوری، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۱، ص. ۳) پیش‌بینی می‌شد با تدوین آیین‌نامه انجمن‌های علمی دانشجویی ۸۰۰ انجمن علمی در دانشگاه‌های کشور تشکیل شود. بنا بر اعلام اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۸۵/۴/۲۱) تعداد انجمن‌های علمی دانشجویی دانشگاه‌های کشور در سال ۱۳۸۵ به ۱۱۲۳ مورد رسیده است که تا پایان سال ۱۳۸۵ به ۱۶۵۵ انجمن علمی دانشجویی می‌رسد. مشاهده می‌شود که در فاصله نزدیک به دو سال (۱۳۸۵-۱۳۸۴) تعداد این انجمن‌ها در دانشگاه‌ها دو برابر شده است. این

میزان مشارکت دانشجویان در انجمن‌ها را باید جدی تلقی کرد و مطالعات بیشتری درباره کارکردهای آنها انجام داد. با تشکیل اتحادیه‌های انجمن‌های علمی دانشجویی این انجمن‌ها می‌توانند نقش‌های مهم‌تری در نظام اجتماعی علم در ایران ایفا کنند.

انجمن‌های علمی دانشجویی در کنار شوراهای صنفی، کانون‌های فرهنگی - هنری، تشکلهای سیاسی و گروه‌های فعالیت فوق‌برنامه، کلیت تشکلهای دانشجویی در دانشگاهها را به وجود می‌آورند. اما میزان توجه به مطالعه انجمن‌های علمی در مقایسه با بقیه تشکلهای بسیار کمتر بوده است. با بذل توجه به این نکته، دلایل نظری‌ای که در این کتاب اقامه می‌شوند و توجه به رشد کمی بسیار زیاد انجمن‌های علمی دانشجویی در سطح دانشگاههای کشور، لازم است تا به مطالعه آنها بیشتر توجه شود.

برخی همکاران که در فاصله زمان نگارش این متن تا به امروز آن را دیده‌اند عقیده داشتند که مبحث انجمن‌های علمی رشته‌ای و انجمن‌های علمی دانشجویی از یکدیگر تفکیک شود. این ایده پشتوانه نظری قابل قبولی دارد. لیکن به سه دلیل هر دو مبحث را در این اثر گنجانده‌ایم. نخست آنکه درک کارکردهای انجمن‌های علمی دانشجویی در تعامل با ایده‌های مرتبط با انجمن‌های علمی رشته‌ای امکان‌پذیر است. دوم، این کتاب سیاست‌گذاران علوم در ایران را نیز در زمره مخاطبان خود دارد. در کنار هم قرار دادن این دو مبحث می‌تواند مخاطب را هم‌زمان با دیدگاههای نظری درباره هر دو نوع انجمن‌ها و کارکردهای آنها آشنا سازد و رویکردهای مثبتی را نسبت به هر دو برانگیزد. سوم، مباحث نظری درباره انجمن‌های علمی دانشجویی به حدی نیست که در قالب کتابی جدا قابل انتشار باشد. جدا کردن آنها سبب می‌شود تا انتشار آنها تا زمانی نامعلوم به تأخیر افتد. حجم و اندازه این کتاب نیز فرصت انتشار آنها در همین قالب را فراهم می‌کرد. با این حال، مباحث ارائه شده درباره این انجمن‌ها

مجمده / جامعه‌شناسی علم و انجمن‌های علمی در ایران
حاوی مطالبی است که خارج از حیطه جامعه‌شناسی علم است ولی می‌تواند در
قالب مباحثی درباره نظام اجتماعی علم در ایران، جدی تلقی شود.

قدردانی

همکاران زیادی در آماده شدن و انتشار این اثر سهم داشته‌اند. جناب آقای دکتر محمدباقر خرمشاد معاون محترم فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و جناب آقای دکتر خواجه‌سروی قائم مقام محترم معاونت و مدیرکل دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی نظر مثبتی نسبت به این کتاب داشتند که زمینه‌ساز انتشار آن شد. در ضمن لازم است تا از زحمات آقایان حسین ابراهیم‌آبادی مدیرکل محترم سابق «دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی»؛ و آقای اسماعیل خلیلی از کارشناسان این دفتر برای مهیا شدن شرایط انجام تحقیقی که این اثر برآمده از آن است تشکر و قدردانی شود. هم‌چنین جناب آقای دکتر محمد امین قانع‌راد که خود از فعالان پژوهش در زمینه جامعه‌شناسی علم هستند زحمت یک بار مطالعه متن و ارائه نظرات و انتقاداتی درباره آن را متحمل شدند و ایده‌هایی را مطرح کردند که جا دارد از ایشان نیز سپاس‌گزاری کنیم. آقای دکتر نعمت‌الله فاضلی و سرکار خانم دکتر نریا معمار نیز دسترسی به برخی منابع را مهیا کردند که در اینجا از ایشان نیز تشکر می‌کنیم. عزیزانی در دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بالاخص آقای فضل‌ا... ایرجی نیز مقدمات انتشار این اثر را فراهم کردند که جا دارد قدردان زحمات ایشان نیز باشیم.

محمود شارع‌پور، محمد فاضلی